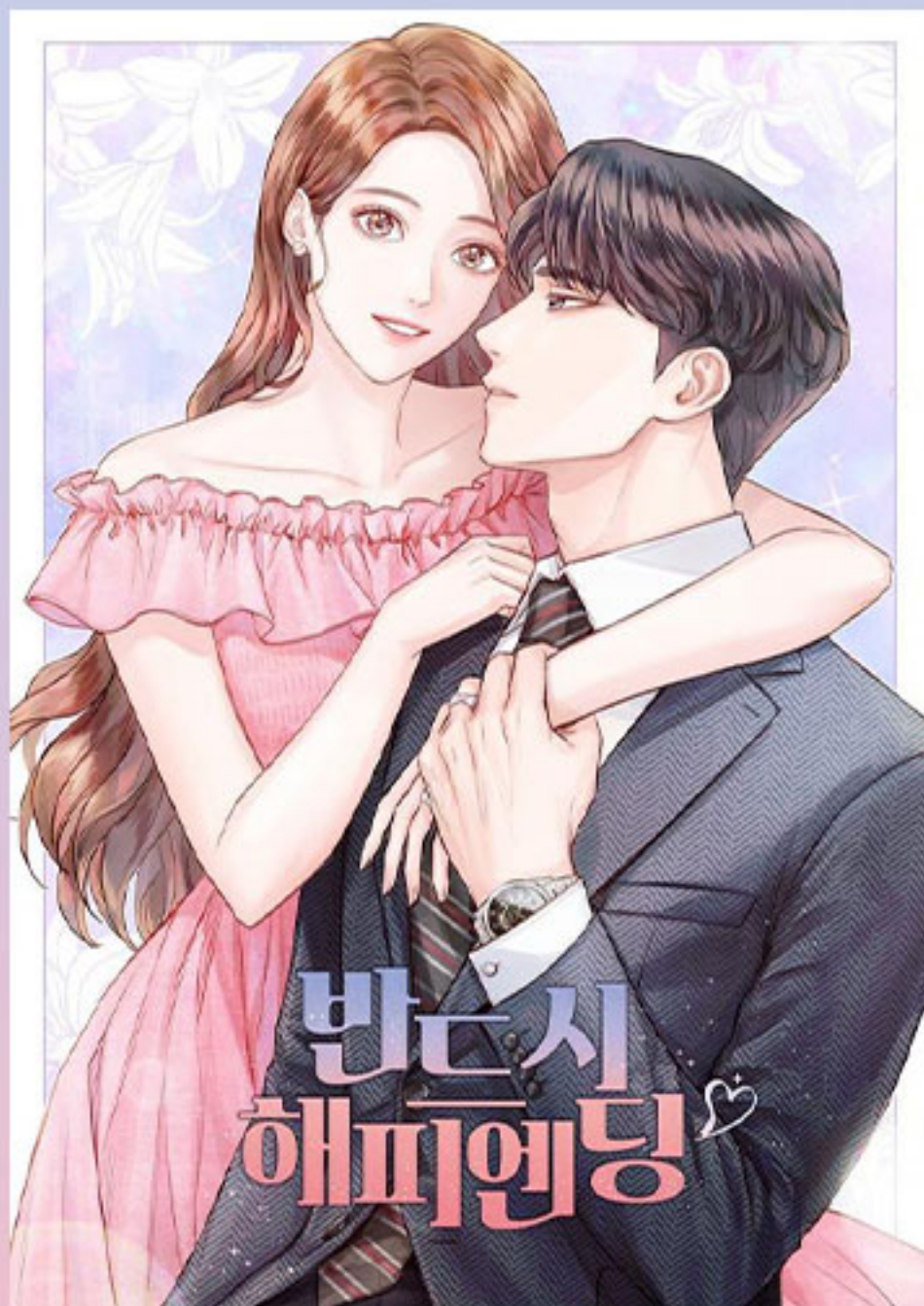




IRISEKAI



T.me/IriSekai



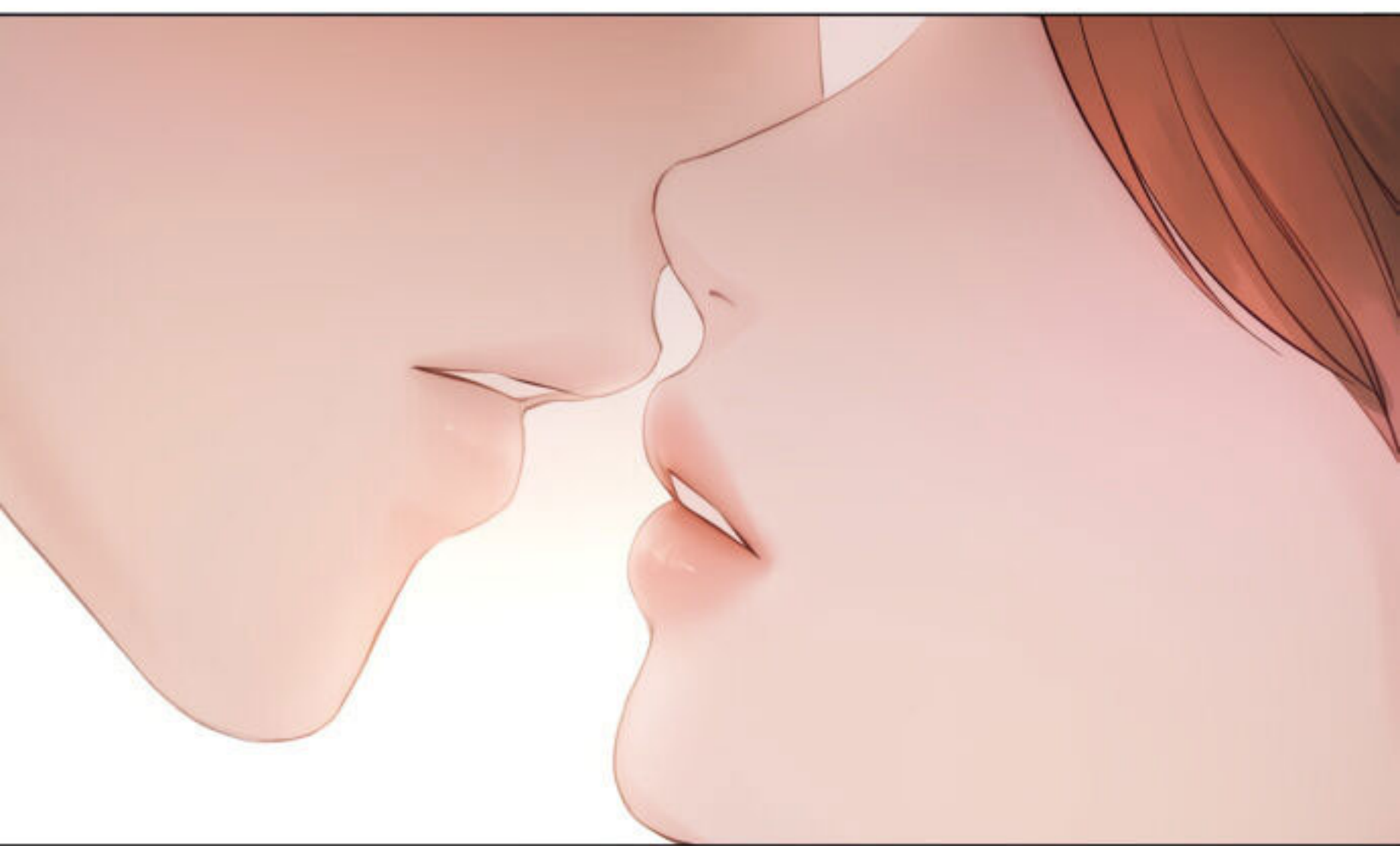
instagram.com/IrisSekai

Vera  
Hell  
Robin

مترجم:

کلینر:

تایپیست:





توالان...



... امشب زود میام خونه.  
منتظرم بمون.

فعلا.

ها؟ اون الان...



سرخ شده؟



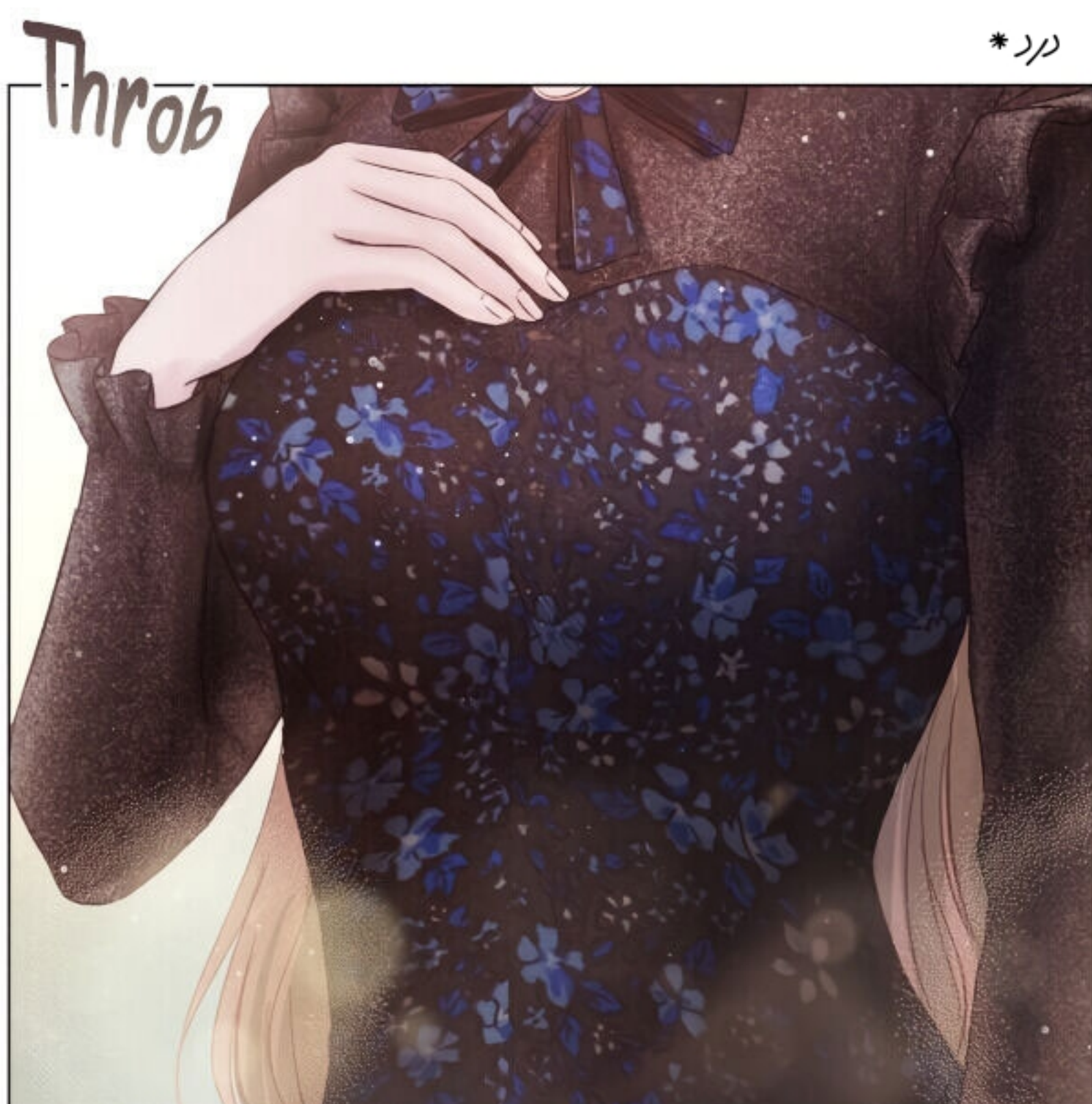
نیش باز \*

سوئیچ و مچالت؟  
پاورم نمیشه!

GRIN

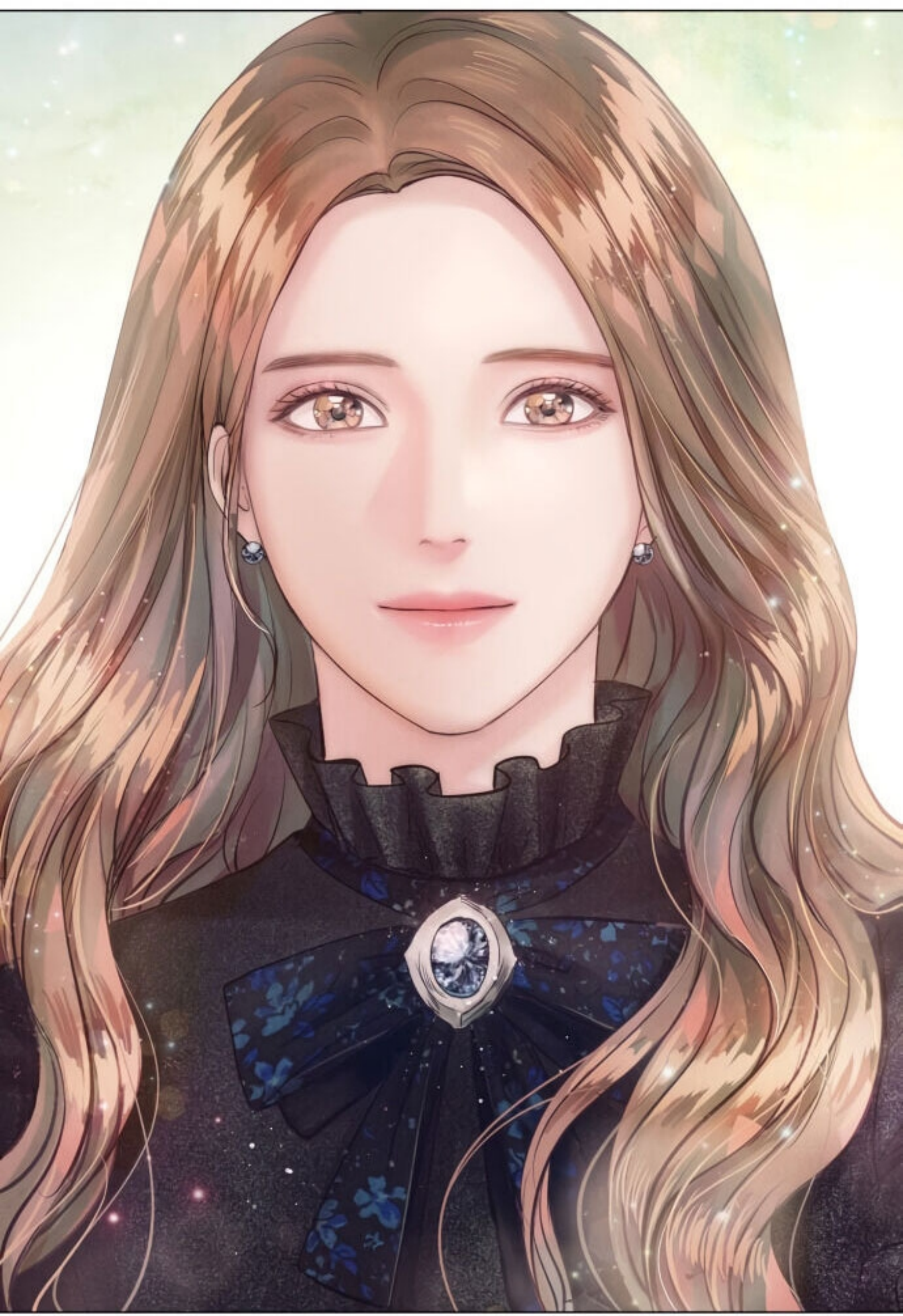


دارم آروم آروم...



... قسمت های مخفی تو رو که تا  
الان ندیده بودم، میبینم.

اینجوری آیا میتونم...



آینده تو و رابطه مونو تغییر بدم،

سونبه؟

# 반드시 해피엔딩♡

Writer: Bool-Sa | Illustration: Jae-Rim  
Novel: Peul-Ah-Da







از امروز صبحی داره  
عجیب غریب رفتار میکنه.



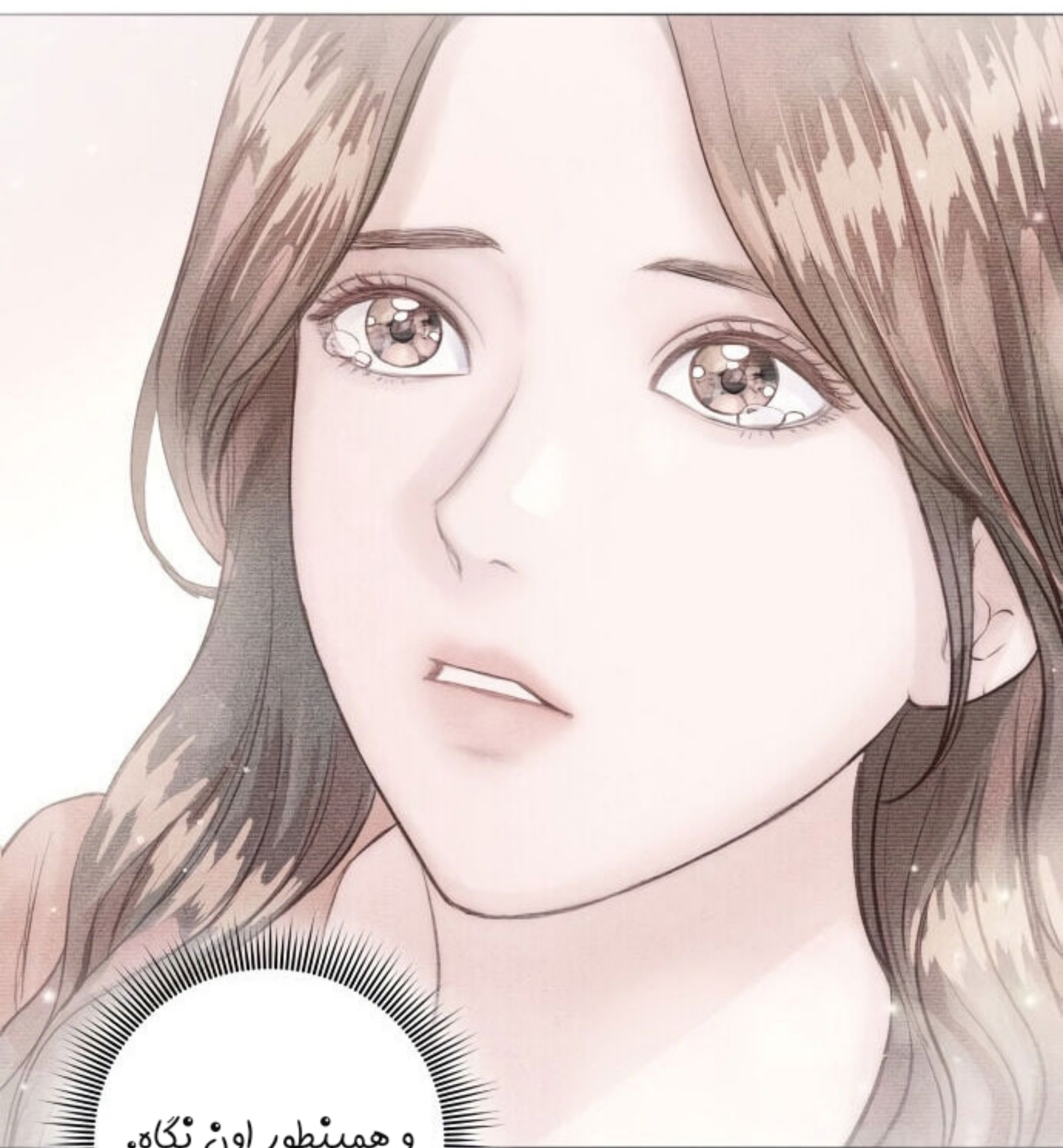
یهویی میاد  
تو اتاقم...

بند \*



و میگه شب  
خواب پد دیده.

\* !!!!!



و همينطور اون نگاه.

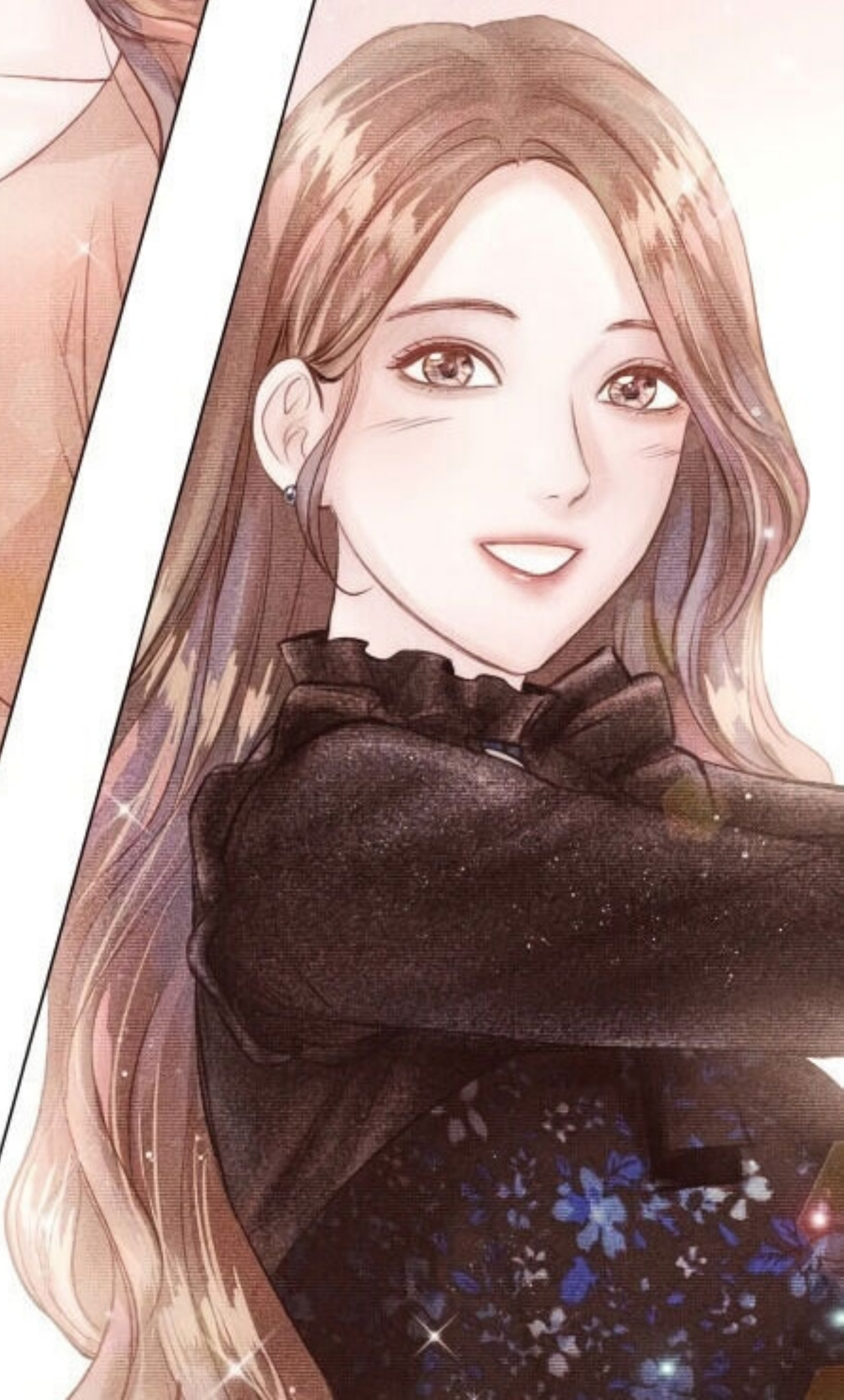
**و علاوه بر همه اينها، اون...**



\* ۹۹ ش \*



قبلا اون حتی از گرفتن  
دستم هم خجالت میکشید.  
واقعا عوض شده...



یا شایدم این  
روی واقعیته؟

پوز خند \*



شاید بخاطر اینکه که  
اولین باره اینجوری  
میبینمش...



اما اون یجورایی ناز بنظر...



تو فکر  
زن داداشی؟



خب...

سون جه،  
ده سالی میشه هواتو دارم



ولی انگاری یخ ات  
هنوز آب نشده.

حس میکنم تو همیشه...



یه مرزی برای بقیه  
تعیین میکنی و نمیزاری هیچکس  
ازش رد بشه.

...



این یه موقع هایی  
قلبو میشکند!!!!



میدونی که لازم نیست  
کنار ما اینقدر  
معذب باشی دیگه!!!!

اما حداقل کنارت زنت  
دیگه خودتی، نه؟



ضیحه ضیح \*

من با تو هم  
خودمم.





(اعصاب خرد) \*





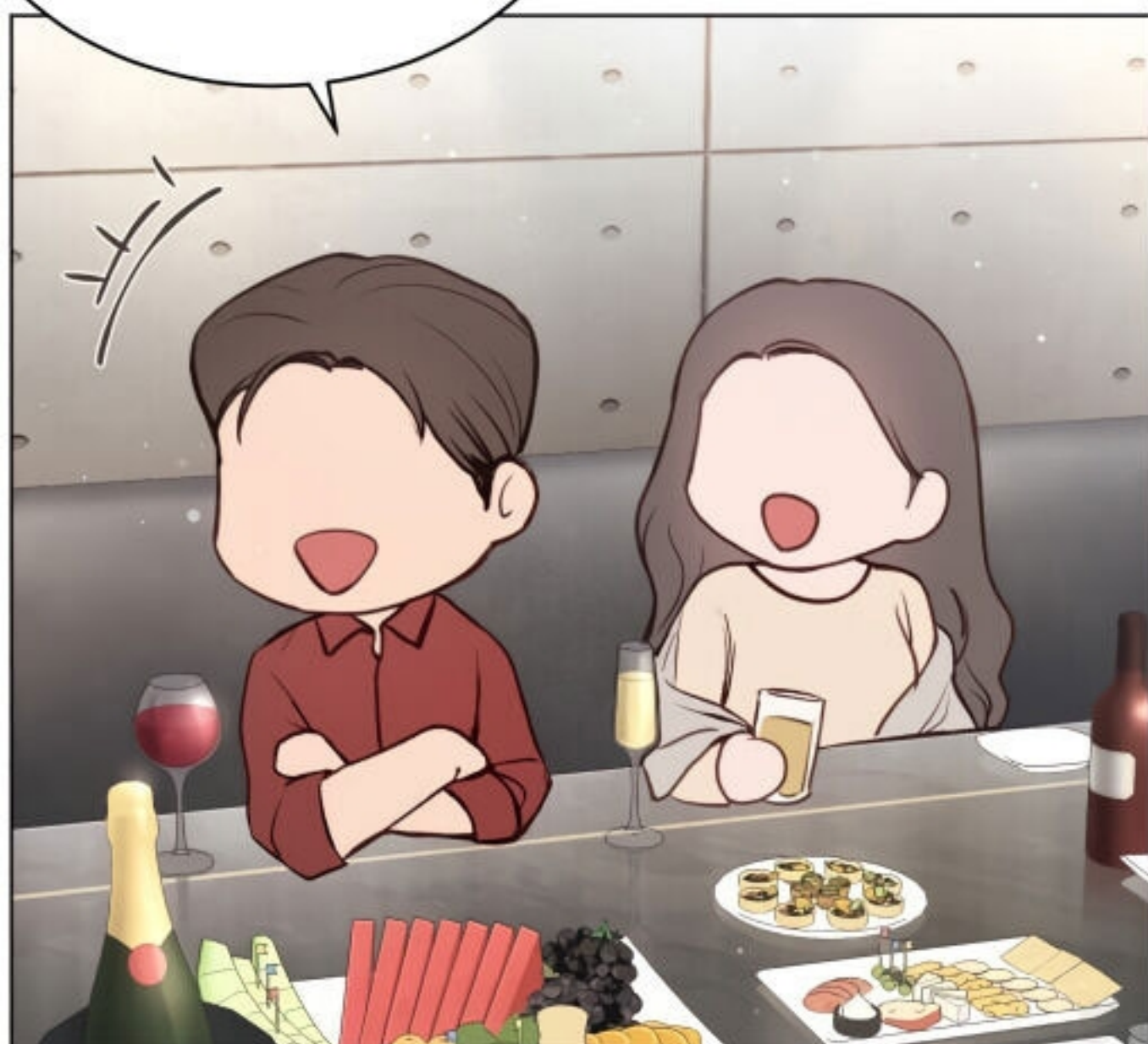
غر غر ۲×







خیلی خوب بابا!  
همه میدونیم جناب عالی یه  
بازیگر درجه یک پرکاری.



بعدا مييينمتون.





چی؟  
جری جلو روش وایستادی؟!



ایولا! اصلا زودتر  
باید اینکارو میکردی.

گمونم بعد از دو سال  
ازدواج آخر سر یه جرعتی  
پیدا کردی!



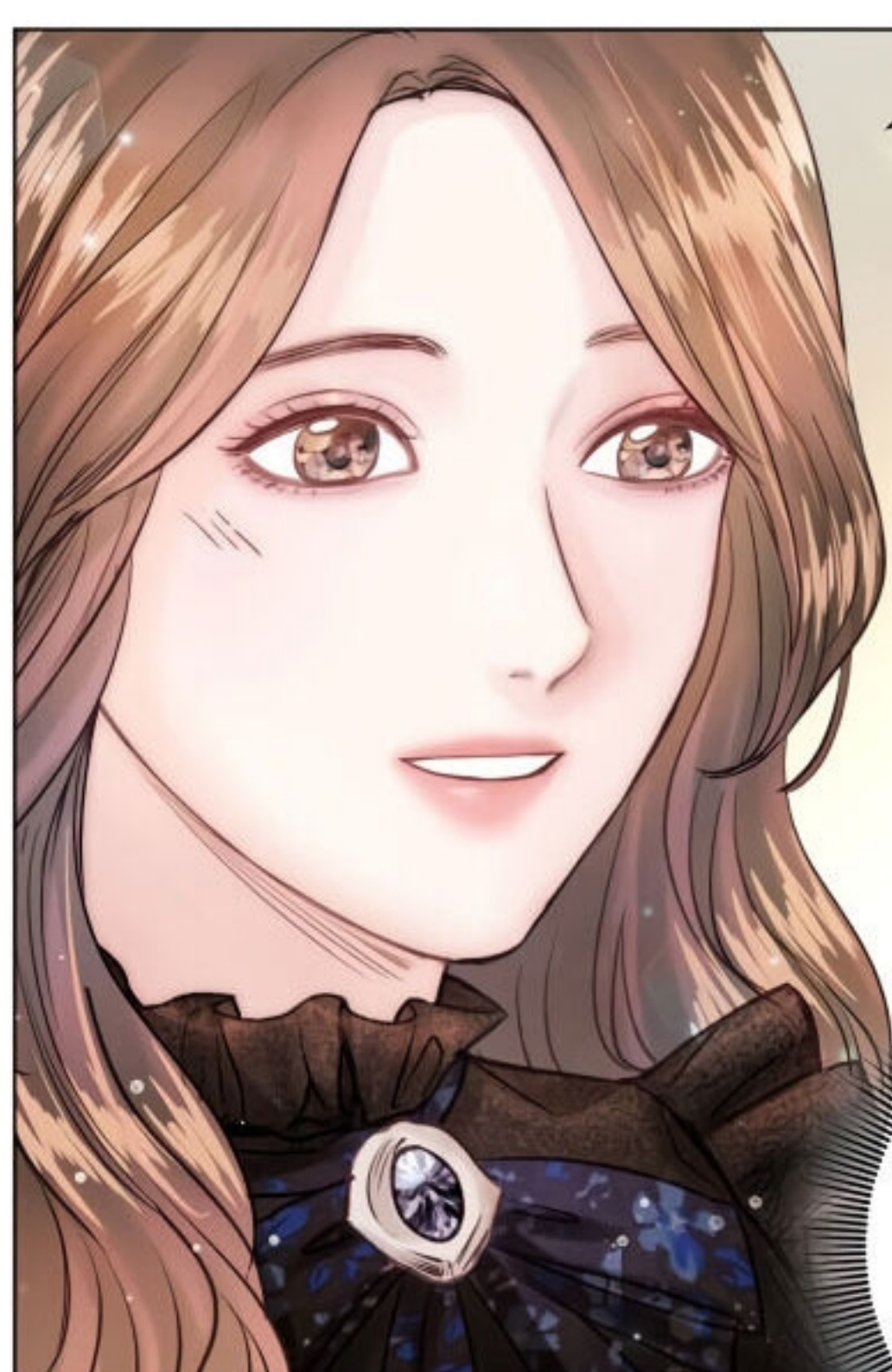


شاید ولی الان بیشتر  
نگرانم بعدش چی میشه.



مگه نگفتی شوهرت  
تشویقت کرد به  
این ادامه بدی؟

احتمالا خودشم  
پشتتو میگیره.  
نگران چی هستی؟



شاید...

پشتتو بگیره...  
فکر نکنم...

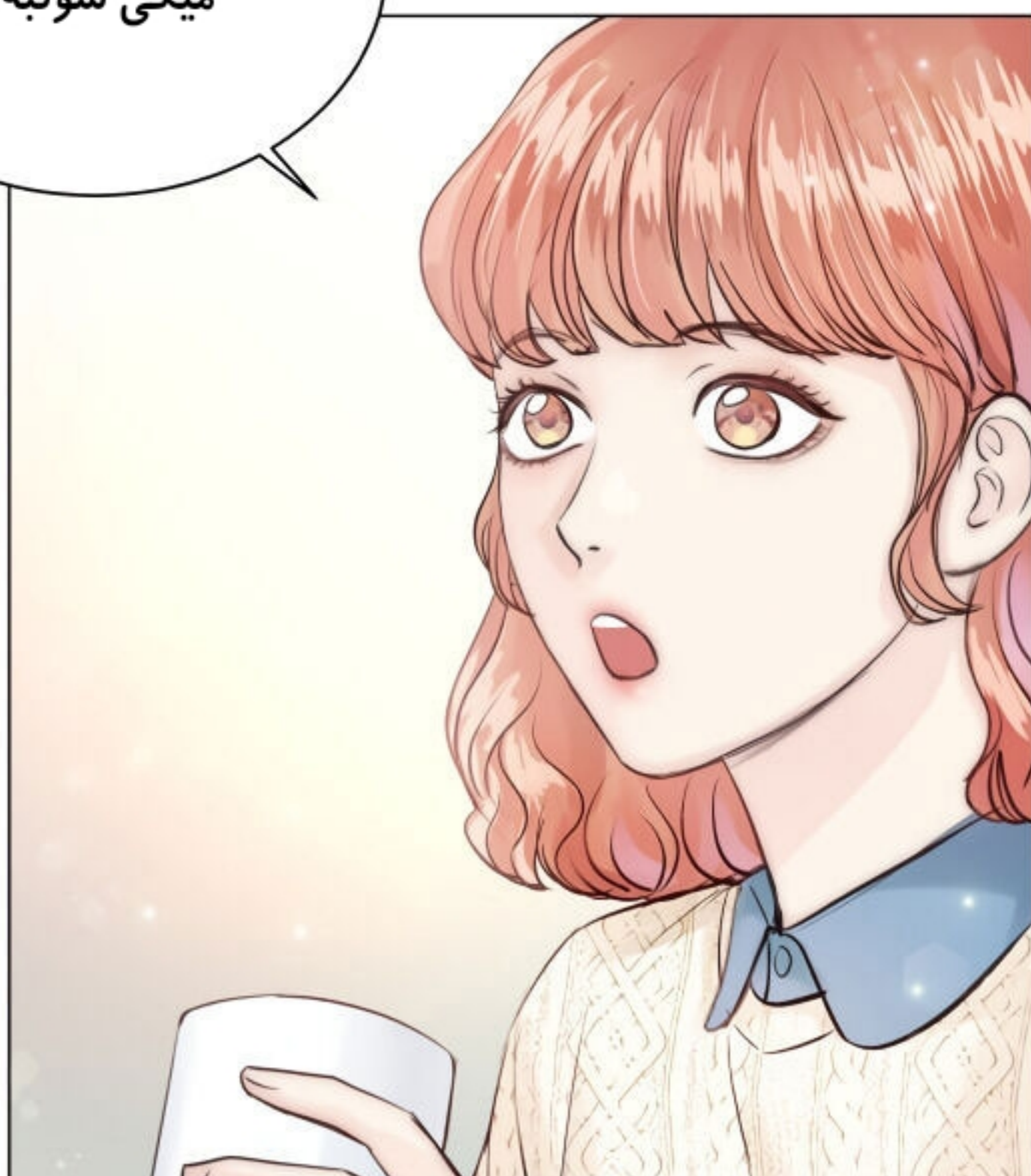
اوه، باید الان  
برگردم خونه.

سونبه گفت امروز  
زود برمیگرده.

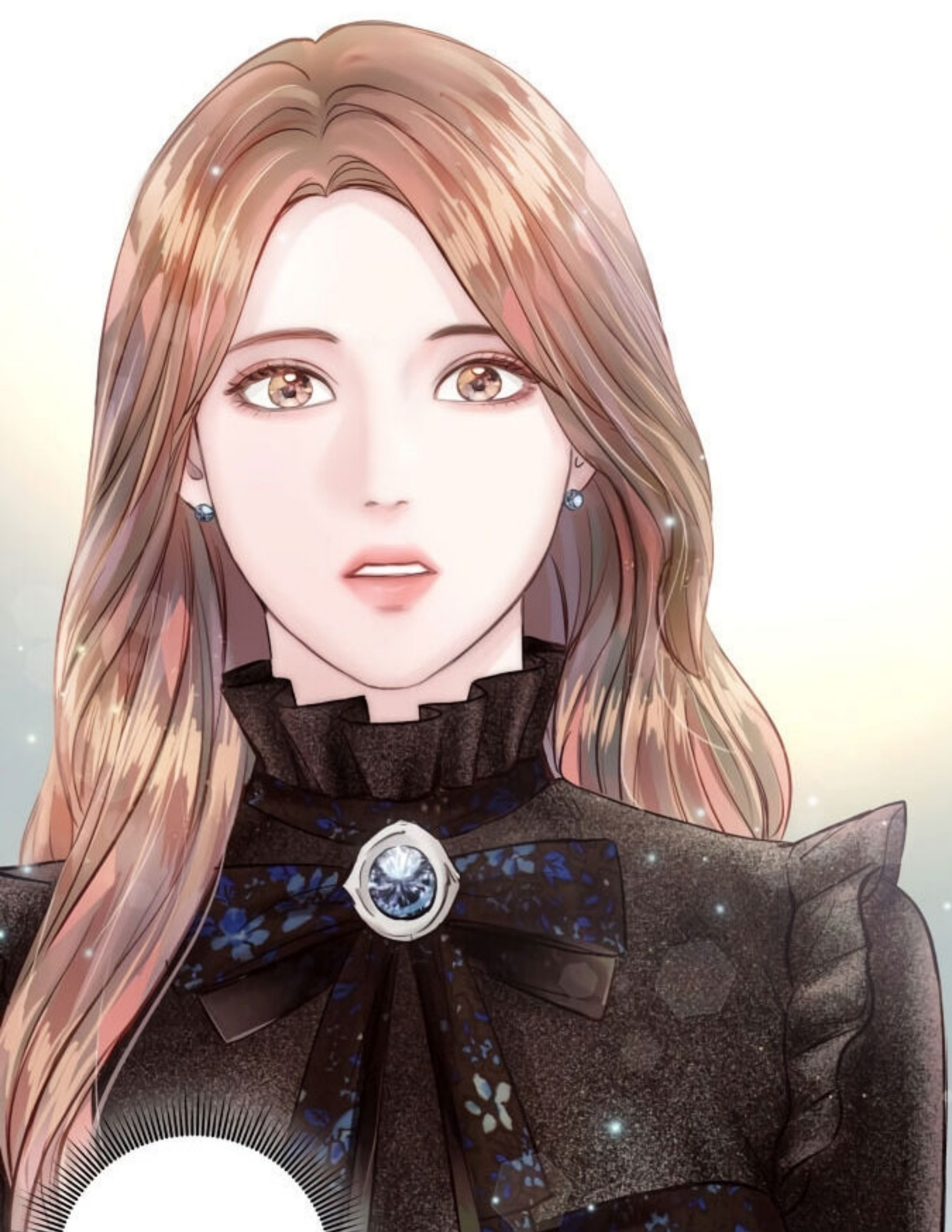


پس بدو برو!

اما چرا هنوز بهش  
میگی سونبه؟



بنظرت اینجوری  
نامیدش نمیکنی؟



نامید...؟

دفعه پیش که  
پرداشت طلاقم داد

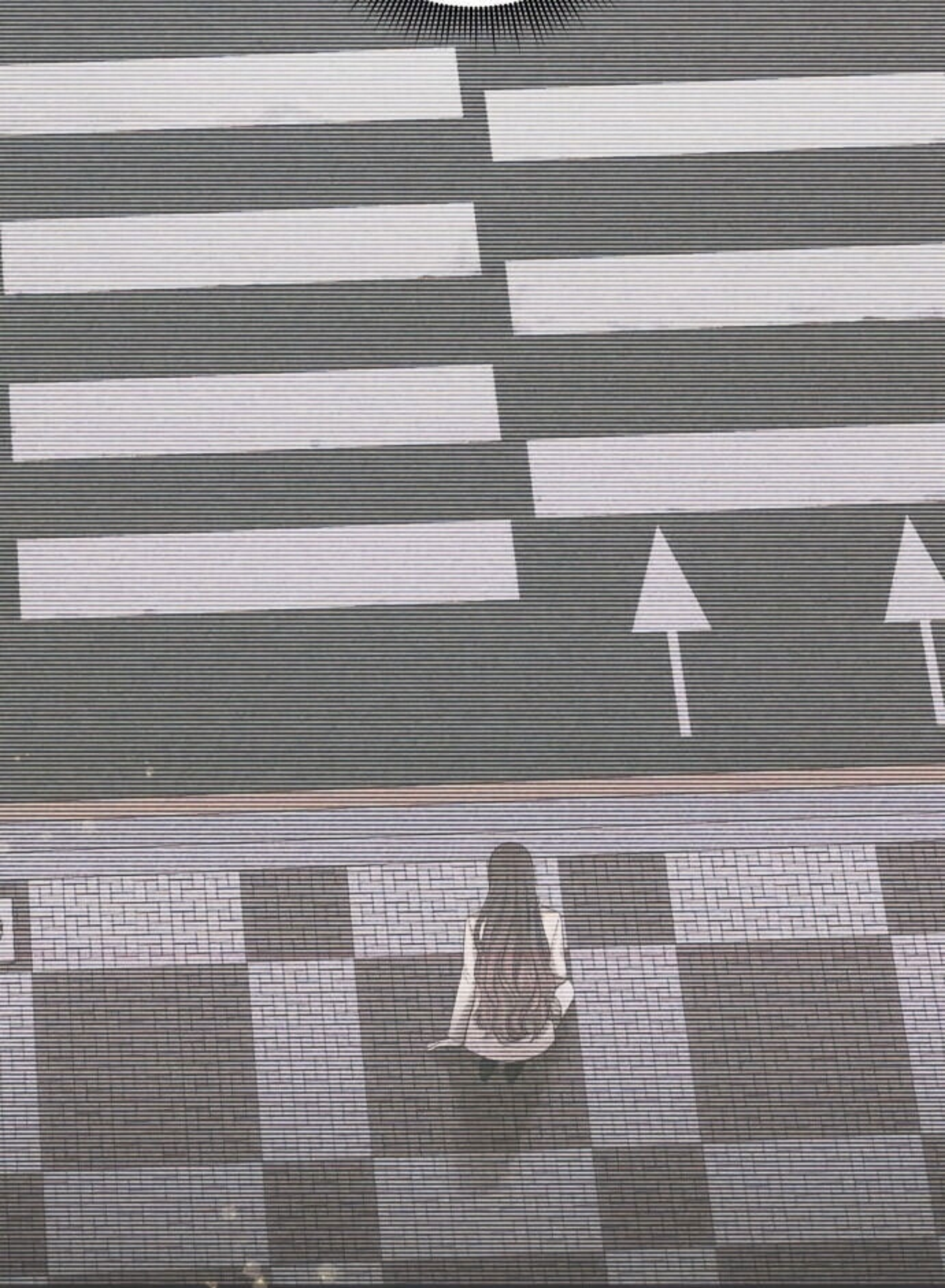
اشک \*



سرچی نامید  
یشه؟



طلاق...



درسته! اینبار میتونیم  
کلا طلاق بگیریم.





اون تصادف درست  
روزی که طلاق گرفتیم  
اتفاق افتاد.



اینجوری تصادفم  
اتفاق نمی افتد.

مدگ پدر طلاق!

مصمم \*

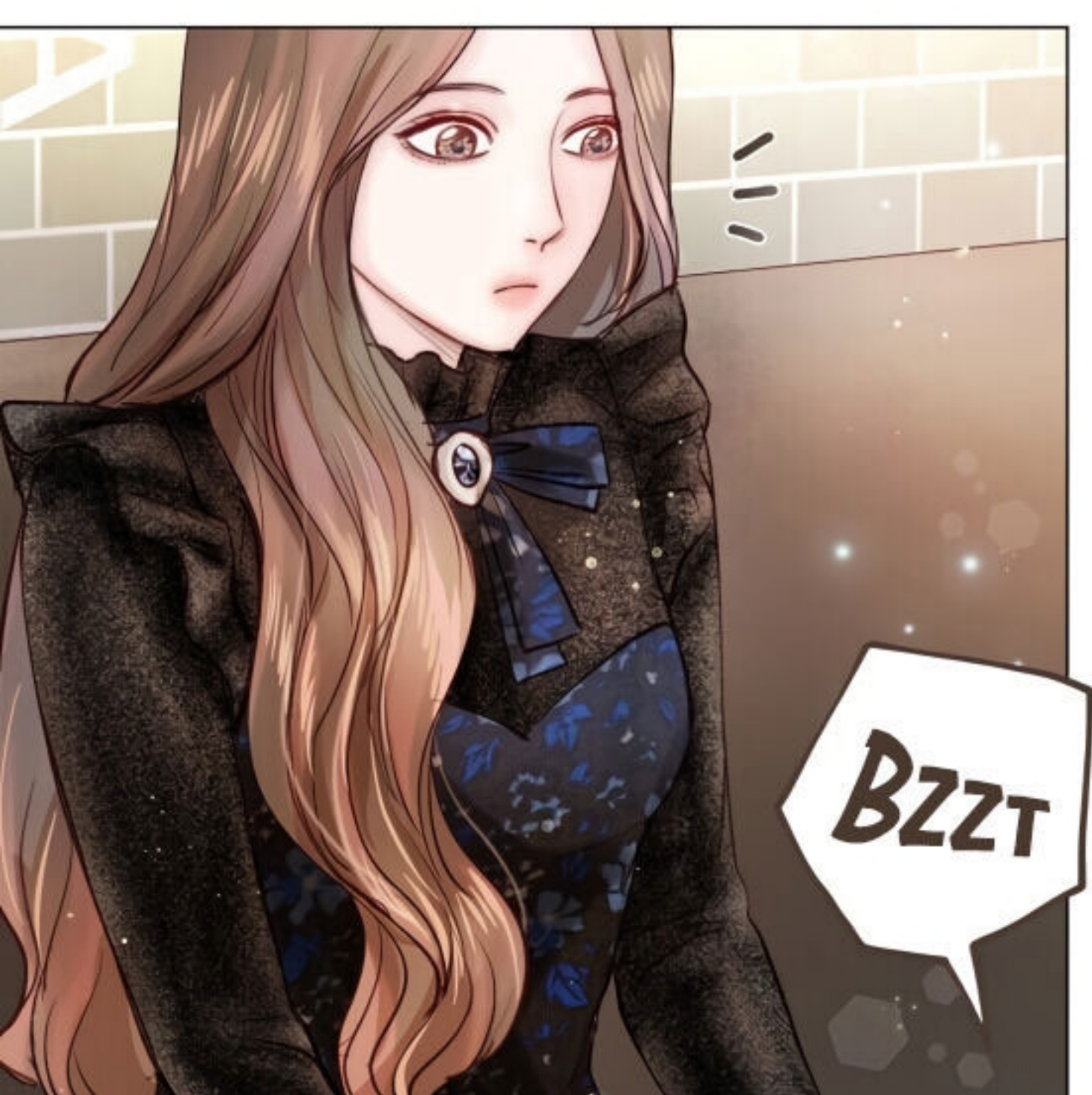
BURN

BURN



بهتره بعدا به اینجور  
چیزا فکر کنیم.

با هدف \*



درینگ \*

کجایی؟  
چرا فونه نیستی؟





اه، چقدر زود  
برگشتی خونه.



تو راهم،  
الان میرسم.

ضلا

هیی!

داشتم فکر میکردم  
واسه چی تو اتاقش  
نیستی.

حتما تا الان  
پیرون بوده.

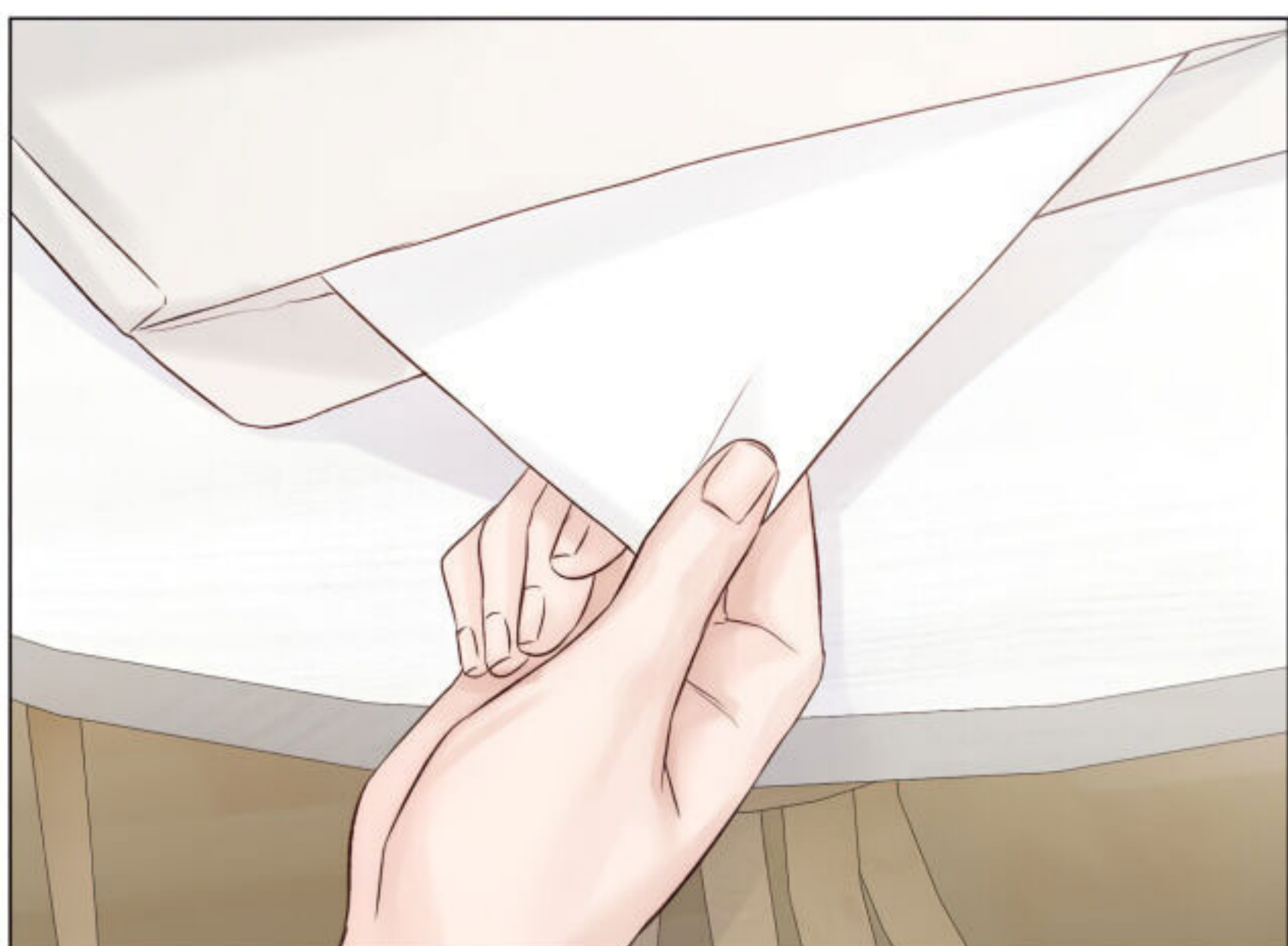
در هر صورت...



اینجا چہ  
اینجوریہ؟!

نامرتب \*





Doom...





سند  
... \*





سونبه؟



پس برای همین بود  
که کل روز رفتارت  
عجیب بود.



با همیشه  
فرق داشت.

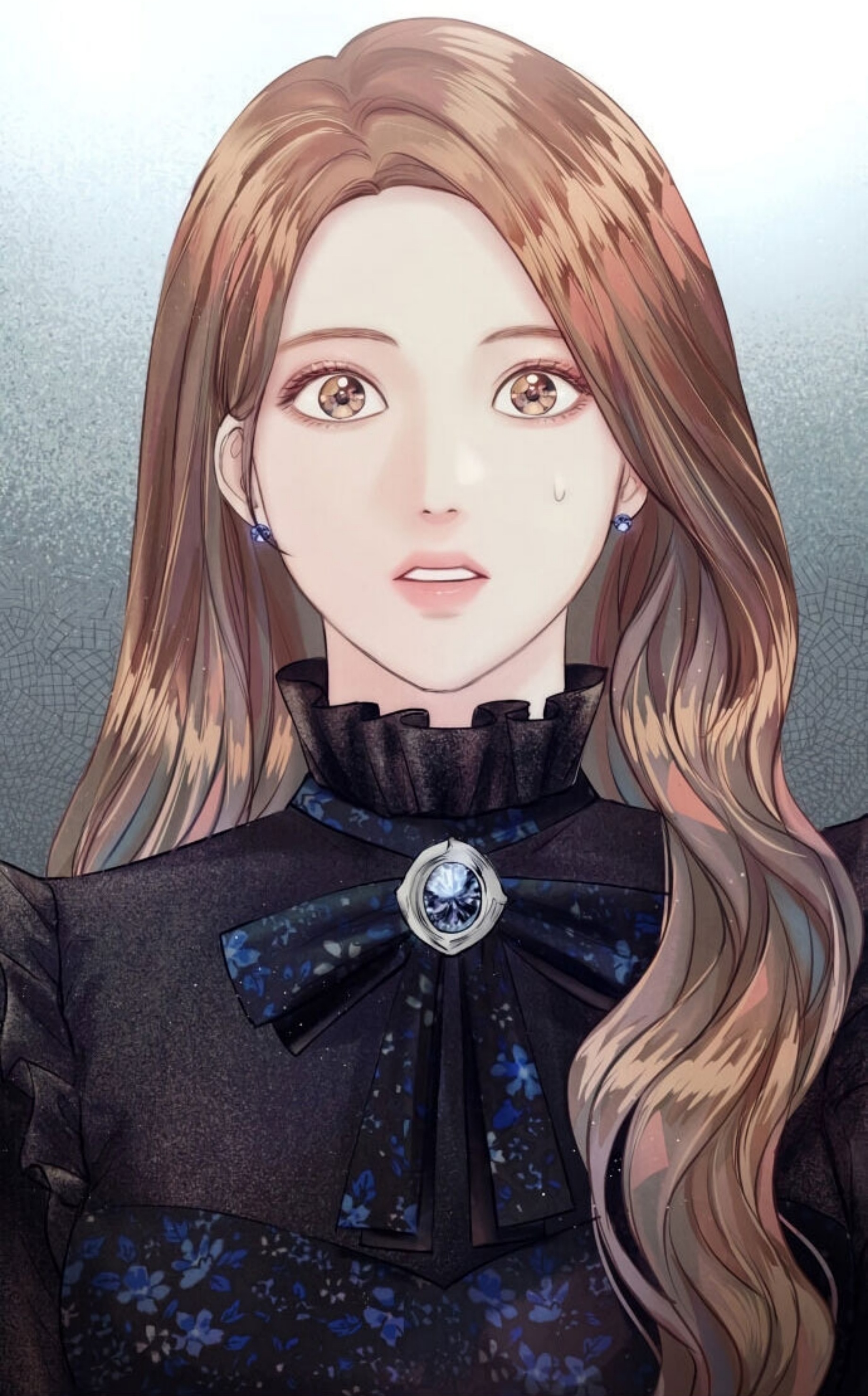
آره...



CLENCH

فست گرفتن \*

واسه همین بود.



همش...  
برای این بود؟



میخواهی طلاق بگیری؟





A man with dark hair and a black cardigan over a light-colored shirt stands behind a woman with long brown hair. The woman is wearing an orange cardigan over a white dress with a pink bow at the neckline. They are both looking down at a table. The man is holding a glass of water, and the woman is holding a dark blue mug. A speech bubble is positioned to the right of the woman.

جوین شدن  
تو چنل لایک و  
کامنت یادت نره